

**رابطه بین کودک آزاری والدین و الگوی
مجرمانه شرارت در کودکان آزار دیده
(مطالعه موردی: مجرمین شرارت زندان های خوزستان)**

عبدالرحیم اسداللهی*، محمود برات‌وند**

طرح بحث: این مقاله به بررسی ارتباط سبب‌شناختی بین ایذاء در دوران کودکی از سوی والدین و بروز جرم شرارت در دوره‌های بعدی زندگی این کودکان می‌پردازد. بر مبنای نظریه لئونارد برکوئیتس و بندورا می‌پردازد. **روش تحقیق:** جامعه پژوهشی این بررسی کلیه مجرمین بزه شرارت و خشونت در زندان‌های خوزستان در سال ۱۳۸۴ می‌باشد که با نمونه‌گیری تصادفی ۸۰ نفر از آنها انتخاب و آزمون کودک‌آزاری در مورد آنها اجراء و پرونده محکومیتی و مددکاری آنها مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها: ۹۰ درصد نمونه‌ها گزارش کردند که والدین (به‌ویژه پدران) کم یا بی‌سواد، آنها را طی دوران کودکی آزار و اذیت نموده‌اند که بیشتر از نوع آزار جسمانی بوده است. در مجموع میانگین درصدی نمره آزمون کودک‌آزاری در میان آزمودنی‌ها بالاتر از سطح میانه (۶۰ درصد) بود. مصادیق کودک‌آزاری شامل تنبیه بدنی، سوءاستفاده جنسی، غفلت از فرزندان و محرومیت از غذا و تفریح می‌باشد.

نتیجه: فرضیه اصلی پژوهش، معناداری و هماهنگی سبب‌شناختی بین این دو پدیده را تایید کرد. رابطه معناداری بین سواد والدین، ساخت خانواده تک‌والدی و طلاق زودهنگام با کودک‌آزاری آنها مشاهده شد. همچنین با کاهش سن و سواد مجرمان شدت جرم شرارت در آنها گسترش می‌یابد.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی منطقه ۳ زندان‌های کشور
<assadollahi1978@yahoo.com>

** کارشناس ارشد روانشناسی، مدرس مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی منطقه ۳ زندان‌های کشور

کلید واژه‌ها: جرم، زندانیان خوزستان، کودک‌آزاری، مجرمین
تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۷/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۱۱/۴

مقدمه

سیر جرایم در جامعه روند پرشتابی به خود گرفته است و انجام اقداماتی برای پیشگیری در این زمینه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. نخستین گام در این ارتباط شناخت شرایط موجود است. هدف این بررسی تعیین الگوی ساختاری شدت جرم شرارت و ارتباط آن با الگوی ساختاری کودک‌آزاری دوران کودکی مجرمین است چرا که تعیین چنین الگویی می‌تواند در زمینه پیشگیری از این جرم راهگشا باشد. خشونت می‌تواند با برهم زدن امنیت جامعه و نظم جامعه در روند کلی فعالیت‌های اجتماعی اختلال ایجاد کرده و زمینه‌ساز بروز ناامنی و اساس فقدان امنیت در جامعه باشد. کودک‌آزاری نیز می‌تواند در زندگی آینده کودک آزاردیده زمینه‌ساز آسیب‌های روانی زیاد گردد. این پژوهش سعی در شناسایی وجود یک رابطه همبستگی بین کودک‌آزاری در دوران کودکی مجرمین، با جرائم شرارت و خشونت آنها و از این طریق، جلب توجه مسئولین امور پرورش و تربیت کودکان و خانواده‌ها از یک سو و نهادهای قضایی و کیفری از سوی دیگر به زمینه جرم‌زای این پدیده متأسفانه متداول در برخی از خانواده‌های ایرانی و خوزستانی دارد. کودک‌آزاری در خانواده‌ها و خشونت در اجتماع به دو الگوی ساختاری مجرمانه شایع در خوزستان تبدیل شده است. جامعه آماری این بررسی مجرمین شرارت زندان‌های خوزستان هستند که در سال ۱۳۸۴ دستگیر شده‌اند. به درخواست اداره کل زندان‌های خوزستان به لحاظ رعایت جنبه‌های امنیتی و حفاظتی و جلوگیری از هرگونه آثار سوء، در بیان آمارهای مربوط به جرایم شرارت از آماره فراوانی درصدی استفاده گردید.

(۱) طرح مسأله

بروز جرایم خشونت‌بار شرارت و رشد تصاعدی آن در مقایسه با سایر جرایم و

عناوین مجرمانه در خوزستان به یک چالش و مسأله اجتماعی بدل شده است. میزان ۲۷ درصد این بزه در میان سایر جرایم، مسأله‌زا و سؤال‌برانگیز می‌باشد؛ به طوری که شرارت، دومین الگوی مجرمانه را از لحاظ حجم درصدی در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت خوزستان (۱۸ درصد) بعد از سرقت تشکیل می‌دهد (آمارنامه زندان‌های خوزستان، ۱۳۸۴). با توجه به اهمیت این الگوی بزهکارانه بررسی سابقه فردی و شخصیتی این گروه از مجرمان لازم است. بررسی حاضر این هدف مهم را بررسی می‌کند که آیا سابقه ایداء در خانواده و خشونت‌های اجرا شده توسط والدین طی دوران کودکی و نوجوانی رابطه معناداری با سطح سواد و آموزش مجرمین و والدین آنها، نوع شغل والدین، ساختار خانواده و سن خاص و جنسیت مجرمین شرارت دارد؟

۲) سوابق پژوهشی

زمینه‌ها و عوامل اصلی آزار کودکان توسط خانواده را می‌توان در حوزه‌های روانی، خانوادگی و محیطی - شخصیتی بررسی کرد.

۲-۱) علل مهم روانی کودک‌آزاری

تحریک‌پذیری و حساسیت منفی بیش از حد والدین (کمپ، ۱۹۸۸؛ نقل از مدنی، ۱۳۸۳) افسردگی با جلوه پدوفیلیایی (بچه‌گرایی) (پورافکاری، ۳۶۵:۱۳۷۶)، سابقه کودک‌آزاری در والدین و فرد آزارگر (کافمن، ۱۹۸۷ نقل از مدنی، ۱۳۸۳) که به ۳۰ درصد از موارد کودک‌آزاری‌ها شامل گردیده است (ولف، ۱۹۹۹؛ نقل از مدنی، ۱۳۸۳)، عزت‌نفس پایین و ضعف در روابط فردی - جنسی با همسالان و همسر (تحقیق ثناگوی محرر، ۱۳۷۹) رابطه قوی بین کودک‌آزاری و مقیاس‌های شخصیتی پرسش‌نامه میلون^۱ (MCMII) در مادران دارای کودکان آزاردیده از جمله مهم‌ترین عوامل روانی کودک‌آزاری مادران است. همچنین

1. Millon Clinical Multiaxial Inventory /II

دوری‌گزینی و انزوا، وابستگی، اختلال شخصیت ضداجتماعی، آزارگری، شخصیت وسواسی و پرخاش‌گر، آزارطلبی و شخصیت اسکیزوتیپ و پارانوئید از جمله ویژگی‌های شخصیتی این مادران بوده است.

۲-۲) علل مهم خانوادگی کودک‌آزاری

اکثر آزارها در خانواده و از سوی والدین صورت می‌پذیرد که شامل والدین جوان و بی‌تجربه دارای استرس شغلی (کاهانی، ۱۳۷۵) و سن بالای پدر بود؛ به طوری که در تحقیق اسدالهی (۱۳۸۴) این عامل، دارای رابطه معنادار و عاملی بالایی با سوءرفتار آنها با کودکانشان بود. نکته مهم، این پدیده است که در والدین با سن بالا و خیلی کم، کودک‌آزاری بیشتر اتفاق افتاده است؛ (اسدالهی، ۱۳۷۴؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۰). سطح سواد پایین والدین نیز در پژوهش‌های دیگر نشانگر رابطه مثبت و معنادار با میزان افزایش کودک‌آزاری بوده است (صفوی، ۱۳۷۴؛ اسدالهی، ۱۳۷۴؛ رحیمی‌موقر، ۱۳۷۵؛ رشیدی‌فر، ۱۳۷۶ و بخشعلیان، ۱۳۷۷). نوع شغل نیز رابطه معنادار و مثبتی با کودک‌آزاری داشته و آن دسته از مشاغل غیرتخصصی و یدی مثل کشاورزی و کارگری دارای بیشترین رابطه موثر بوده‌اند. (مدنی، ۱۳۸۳:۱۲۳؛ محمدخانی، ۱۳۷۸؛ رزاقی، ۱۳۸۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۸؛ حسینی‌سدهی، ۱۳۸۰). بُعد خانوار نیز با کودک‌آزاری رابطه دارد (کاهانی، ۱۳۷۵؛ صفوی، ۱۳۷۴؛ رحیمی‌موقر، ۱۳۷۵؛ دولتمند، ۱۳۷۵؛ بخشعلیان، ۱۳۷۷؛ نامداری، ۱۳۷۷). یکی دیگر از الگوهای ساختی خانواده در بروز کودک‌آزاری، سابقه بیماری روانی - جسمانی، طلاق و جدایی در والدین بوده است (مدنی، ۱۳۴:۱۳۸۳). پیشینه کیفری و سوابق مجرمانه پدر و مادر به ویژه اعتیاد از عوامل خانوادگی مهم بروز سوءرفتار با کودکان بوده است. پژوهش‌های اسداللهی (۱۳۸۴) و بلسکی (۱۹۹۸)، نامداری (۱۳۷۷)، لئونارد (۱۹۹۸)، محمدخانی (۱۳۷۸)، براتوند (۱۳۸۰) و باقری‌یزدی (۱۳۷۹) مؤید این دیدگاه می‌باشد. در مواردی کودک‌آزاری به حدی شدید است که منجر به

فرار کودکان از خانه می‌شود. بر اساس تحقیق جانقلی (۱۳۶:۱۳۸۳) علت فرار ۱۴ درصد از کودکان خیابانی ضرب و شتم والدین و بستگان در خانه بوده است که افزون بر ۳۳ درصد این گروه به رفتارهای خشونت‌بار و شرارت‌آمیز روی آورده‌اند (صالح، ۱۳۸۳:۱۵۶). خانواده‌های بدریخت یا از ریخت افتاده مثلاً تک‌والدی، منزوی و دارای کمترین میزان ارتباطات اجتماعی و دارای تعارضات درونی زیاد، همبستگی بالایی با کودک‌آزاری داشته‌اند (مدنی، ۱۳۸۳:۱۴۷). از جمله عوامل مرتبط دیگر، تولد نوزاد جدید و مرگ یا فقدان یکی از اعضای خانواده است. تولد نوزاد جدید با توجه به نگرش خانواده و نیز جنسیت کودک قابل بررسی بوده و به هر حال حضور فرزند دیگر با کم‌توجهی به کودک قبلی همراه یک عامل استرس‌زا است (ماسن، ۱۳۸۲:۵۴۵).

۲-۳) عوامل مهم محیطی و شخصیتی

این عوامل که زمینه‌ساز بروز کودک‌آزاری است، طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرند؛ که مرگ یا فقدان یکی از اعضای خانواده یا بستگان، فقر، مشکلات اقتصادی، تیپ شخصیتی والدین، استرس‌های محیطی و مکان‌های تنش‌زای روانی، محیط‌های پرجمعیت و بزهکار در فضاهای منطقه‌ای حاشیه شهرها، عدم پایداری به اصول مذهب و اخلاق و نگرش مثبت به تنبیه کودکان (اسداللهی، ۱۳۸۴؛ بوالهروی، ۱۳۷۷؛ مدنی، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۷۷؛ فخرایی، ۱۳۷۷؛ صفوی، ۱۳۷۴؛ رشیدی‌فر، ۱۳۷۶؛ هوشدار، ۱۳۷۴؛ براتوند، ۱۳۸۰).

۲-۴) پیامدهای کودک‌آزاری

در این‌جا به یکی از اثرات مهم و تأسف‌بار آزار کودکان، یعنی زمینه‌های بروز بزهکاری و جرایم شرارت در جامعه پرداخته می‌شود. این نکته حائز اهمیت است که اکثر موارد کودک‌آزاری به‌طور یکسویه منجر به جلوه‌ها و الگوهای ساختی مجرمانه نمی‌گردد.

1. Single Parenthood

پژوهش طباطبایی (۱۳۸۰) نشان داد ۵۵ درصد موارد کودک‌آزاری (به‌ویژه در مردان) در جامعه پژوهشی‌اش منجر به بروز شخصیت نابهنجار ضداجتماعی شده است. پیامدهای آزارگری کودکان را در دو جلوه جسمانی - روانی می‌توان بررسی کرد (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۷۷). جلوه‌های جسمانی کودک‌آزاری، بروز اختلالات رشدی، بدریختی بدن و معلولیت جسمانی، سوءتغذیه منجر به افت توانایی ذهنی، کبودی بدن، شکستگی استخوان‌ها و موارد مشابه بوده است (بوالهروی، ۱۳۷۷؛ رحیمی موقر، ۱۳۷۵؛ نوروزی، ۱۳۷۲ و رشیدی فر، ۱۳۷۶). بدترین پدیده جسمانی کودک‌آزاری، آزارگری منجر به فوت کودکان است که صراحتاً در متون حقوقی - کیفری با زمینه‌های مجرمانه قتل‌ها بررسی می‌گردد. متأسفانه از گزارش‌های فوت کودکان به سازمان پزشکی قانونی، ۷۰ درصد موارد قتل‌های عمد و شبه‌عمد و خطایی بوده است (هوشدار، ۱۳۷۴).

جلوه‌های روانی را نیز می‌توان در حیطه‌های اختلالات روانی - شخصیتی وسیعی بررسی کرد: پرخاش‌گری، رفتار تکانشی، بی‌اشتهایی یا پراشتهایی افراطی روانی و رفتار تظاهر به خودکشی و هیستریک (محمدی فرود، ۱۳۸۰) جلوه‌های ترس مرضی از مردان، انزوایزینی، افسردگی و در مورد سوءاستفاده جنسی، رفتارهای وسواس شست‌وشو، اختلالات خواب، کاهش عزت‌نفس و اقدام به خودکشی بارزترین موارد این جلوه‌های روانی‌اند (برات‌وند، ۱۳۷۹؛ ابراهیمی قوام، ۱۳۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۰؛ مدنی، ۱۳۸۳؛ کاپلان و سادوک به نقل از پورافکاری، ۱۹۹۸؛ نوروزی، ۱۳۷۲ و محمدخانی، ۱۳۸۰).

۳) تعریف مفاهیم

۳-۱) تعریف پرخاشگری

پرخاشگری و خشونت یک پدیده ساختاری و چندبعدی است و کارکردهای مثبت و منفی دارد. در زبان عامه پرخاشگری را تنها به معنای زور ورزی و خشونت به کار می‌برند؛ ولی چنین استنباطی تنها بخشی از مفهوم پرخاشگری را پوشش می‌دهد. تعریف خشونت به معنای عام عبارت است از حمله به دیگری. در نتیجه در هر عمل خشنی مفهوم

پرخاشگری مستور است؛ ولی همه خشونت‌ها الزاماً به صورت پرخاشگری خودنمایی نمی‌کنند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۰۴). ارونسون نیز معتقد است که پرخاشگری عملی است که هدف آن اعمال صدمه و رنج است (ارونسون، ۱۹۶۹: ۱۶۲؛ نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). اثر پرخاشگری در حوزه ارتکاب جرم در جامعه ایجاد و گسترش ناامنی است و هدف این پژوهش، بررسی الگوهای مجرمانه موجد احساس ناامنی اجتماع می‌باشد.

۲-۳) کودک‌آزاری

هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودک و نوجوان زیر ۱۸ ساله توسط دیگر افراد یا اعضای خانواده که به صورت تصادفی نباشد، کودک‌آزاری^۱ گفته می‌شود (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۰).

این پدیده سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره‌ای از تاریخ تعریف مفهومی آن متفاوت و فاقد بار معنایی منفی بوده است، از تقدیم دختران جوان به معابد بابل و سوءاستفاده جنسی از آنها گرفته (باستانی پاریزی، ۱۳۴۳: ۲۶۲) تا زنده بگور کردن دختران از سوی اعراب عصر جاهلیت. زمانی هم به‌ویژه در عصر صفوی و حتی در دوره‌های بعدی تاریخ ایران شاهد روسپی‌خانه‌های ویژه برای پسران خردسال و جوان هستیم (راوندی، ۱۳۶۹: ۳۶۰). الگوی ساختاری کودک‌آزاری تنها شکل جنسی نداشته است، بلکه جلوه‌های روانی - جسمانی - شامل ضرب و شتم مقطعی یا مداوم یا عدم توجه به برآوردن نیازهای اولیه - ثانویه کودک در جریان رشد او می‌باشد. در طراحی آزمون کودک‌آزاری و اجرای آن بین مجرمین شرارت موارد تعریفی حاضر لحاظ گردیده است.

۳-۳) شدت الگوی مجرمانه شرارت و کودک‌آزاری

برای تعیین رابطه بین ساختار الگویی شرارت مجرمین با میزان کودک‌آزاری، موارد زیر مورد نظر قرار گرفت.

الف) ایام حبس و نوع مجازات شرارت

برحسب میزان شرارت و خشونت اعمال شده از سوی فرد محکوم، محاکم قضایی طبق گزارش ضابطین و بر اساس قانون به صدور حکم می‌پردازند، لذا بر مبنای تعریف عملیاتی هر چه میزان حبس بیشتر باشد، شدت شرارت آنها نیز بیشتر است.

ب) شدت کودک‌آزاری

بر مبنای آزمون طراحی شده، هر چه نمره حاصل جمع نمرات گویه‌ها بیشتر باشد؛ شدت ایداء کودک توسط والدین بیشتر بوده است. گستره نمرات این آزمون بین ۱۰۰-۲۰ می‌باشد.

۴) چارچوب نظری

۴-۱) شرارت و خشونت آموخته شده: نظریه لئونارد برکویتس

لئونارد برکویتس (Leonard Berkowitz) بر یادگیری مشاهده‌ای رفتار پرخاشگرانه و خشونت ابراز شده از سوی انسان تاکید نموده است. در رفتار پرخاشگری انسان، یادگیری نقش مهم‌تری از غریزه دارد که این امر حاصل تعامل ساختاری پیچیده بین انگیزه‌های ذاتی و پاسخ‌های آموخته شده است. (شکرکن، ۱۳۶۷: ۸-۱۶۷). البته او معتقد است با اصلاح ساخت یادگیری فرد، می‌توان طبیعت پرخاشگری او را تعدیل و با انعطاف‌تر نمود. کودک با مشاهده اعمال خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه والدین با جلوه‌های بیشتر جسمانی و روانی - که مثلاً در واکنش به عدم پابندی آنها به خواسته‌ها و قوانین مد نظر والدین رخ می‌دهد - این پدیده را فرا می‌گیرد. کودک بر اثر مشاهده می‌آموزد که عدم توجه و بروز ناکامی در تحقق خواسته‌هایش را با شرارت و خشونت پاسخگو باشد. البته این توجیه بیان تمام بسترهای نظری پرخاشگری و شرارت نخواهد بود، ولی بخش عمده یادگیری کودک در

خانواده و در سنین اولیه روی می‌دهد و وقایع این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است و باعث انتقال این الگوهای رفتاری به زندگی آینده کودک می‌گردد.

۲-۴) یادگیری اجتماعی - مشاهده‌ای: نظریه آلبرت بندورا

بندورا ۱۹۷۵ (سیف، ۱۳۷۳:۲۷۲) اعتقاد دارد بخش اعظم یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران است. نکته مهم در این دیدگاه عدم نیاز به تقویت فوری است، یعنی فرد رفتار را مشاهده کرده و می‌آموزد ولی تا زمانی که نیازی به ابراز آن نباشد و به عبارتی عامل تقویتی وجود نداشته باشد، بروز نمی‌کند. هر چه الگو از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برخوردار باشد احتمال یادگیری بیشتر است (سیف، ۱۳۷۳:۲۷۵). در این مورد خاص والدین به صورت افراد صاحب قدرت از نفوذ زیادی برخوردارند و کودکان، آنها را به عنوان الگوی مناسبی تلقی نموده و در طول زندگی و هنگامی که خود بخواهند با کودکانشان برخورد کنند از همان شیوه‌های آزارگری توأم با غفلت و مسامحه^۱ استفاده می‌کنند.

۵) روش

۱-۵) سوالات و فرضیات پژوهش

- الف) آیا می‌توان بین شدت کودک‌آزاری مجرمین دستگیر شده با شدت جرم شرارت آنها رابطه معناداری یافت؟
- ب) آیا می‌توان بین سطح سواد مجرمین و والدین آنها با سابقه کودک‌آزاری و جرم شرارت رابطه معناداری یافت؟
- ج) ریخت جمعیت‌شناختی و ساختار خانواده با جرم شرارت و کودک چه رابطه‌ای دارد؟
بر مبنای سوالات بالا فرضیه‌های پژوهش به قرار زیر تدوین شدند:
- الف) بین سابقه کودک‌آزاری والدین و شدت جرم شرارت فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

1. Child Neglect

- ب) با افزایش سن از فراوانی مجرمین شرارت کاسته می‌شود.
ج) با کاهش سواد افراد، شدت شرارت مجرمین افزایش معناداری می‌یابد.
د) با کاهش سواد والدین سابقه کودک‌آزاری آنها افزایش می‌یابد.
هـ) بین خانواده‌های تک‌والد (مطلقه، متوفی) سابقه کودک‌آزاری بیشتر است.

۲-۵) نوع پژوهش

پژوهش از نوع توصیفی - اکتشافی با روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با برخی از آزمودنی‌ها (برای تطابق و اعتبارسنجی داده‌ها) و همچنین روش اسنادی یعنی بررسی و مطالعه برخی از پرونده‌های شخصیتی - مددکاری مددجویان نمونه و آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار زندان‌های خوزستان می‌باشد.

۳-۵) جامعه و نمونه آماری

داده‌های مجرمین شرارت به عنوان جامعه آماری از مرکز آمار و رایانه زندان‌های خوزستان به دست آمد. جامعه آماری پژوهشی کلیه افراد دستگیر شده با عنوان مجرمانه شرارت طی دوره ۱۳۸۴ را شامل می‌شود که به جرم مذکور محکوم و حکم قطعی کیفری آنها از ناحیه دادگاه صادر گردیده است. شدت جرم شرارت نیز برحسب میزان ایام حبس، سنجیده شد. از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده از جامعه آماری جمعاً ۸۰ نفر با کمک واحد آمار و رایانه زندان‌های خوزستان با اعداد تصادفی انتخاب گردید.

۴-۵) ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها، علاوه بر مطالعه اسنادی پرونده‌های کیفری و مصاحبه با برخی از آزمودنی‌های نمونه، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردید. با توجه به نتایج و یافته‌های سایر محققان در مورد جرم شرارت و کودک‌آزاری و طبق فرضیه‌های ارائه شده، آزمون کودک‌آزاری والدین مجرمان شرارت در ۲۰ آیتم به روش لیکرت با

گویه‌های پنجگانه از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» تنظیم گردید. با توجه به طیف گسترده جلوه‌های کودک‌آزاری (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۱) در تنظیم و طرح سوالات برای گویه‌های ۲۰ گانه از مصادیق آن یعنی تنبیه بدنی، آزار جنسی، بی‌توجهی و غفلت و سوءتغذیه استفاده شد. از مجموع ۴۰ سوال طراحی شده (۱۰ آیتم برای هر مقیاس) در نهایت ۲۰ سوال با بالاترین ضریب همسویی و همبستگی با دو شق زوج و فرد و با کل آزمون با تعیین ضریب آلفای هر گویه باقی ماند. در پایان پایایی و اعتبار آزمون به شیوه فرد و زوج با یک بار اجرا بر روی نمونه‌های پژوهشی و از طریق آلفای کرونباخ $\alpha: 0/82$ و در حد مطلوب به دست آمد.

۶) یافته‌ها

طی این بخش در قالب آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نمودارها و جداول، فراوانی درصدی نتایج مربوط به جرایم شرارت و آزمون محقق ساخته کودک‌آزاری ارائه می‌شود. در جدول شماره ۱ نمرات آزمون کودک‌آزاری و شدت جرم شرارت در قالب ماه‌های محکومیت به زندان آمده است.

جدول ۱: شدت جرم شرارت و ایداء در دوران کودکی مجرمان نمونه

ایام حبس	شدت جرم شرارت	شدت تجربه کودک‌آزاری	نمره آزمون کودک‌آزاری
کمتر از یک ماه	۱۱/۵	۱۱/۶	کمتر از ۶۰ (۴۶/۶ درصد)
بین ۱-۳ ماه	۴۰/۵	۱۳/۳	
بین ۳-۶	۳۴/۳	۲۱/۷	
یک سال	۲۷/۵	۲۵/۷	بالاتر از ۶۰ (۵۳/۴ درصد)
دو سال	۱/۶	۲۷/۷	
مجموع	****	۱۰۰	****

* برحسب ماه حبس طبق پرونده محکومیت کیفی

طبق جدول شماره ۱ فقط ۴۶/۶ درصد از پاسخگویان از کودک‌آزاری و آزارگری

اطرافیان و والدین در مورد خود با نمره کمتر از ۵۰ شکایت کرده‌اند. در حالی که ۵۱/۹ درصد از مجرمین که شدت شرارت آنها شدید و بالاتر از یکسال حبس بوده در آزمون کودک‌آزاری نمره بالاتر از ۵۰ آورده‌اند. در جدول شماره ۲ فراوانی درصد آزمون کودک‌آزاری و درصد شدت جرم شرارت در مجرمین شرارت خوزستان آمده است. با افزایش سن، شاهد کاهش در بروز و شدت این جرم هستیم.

جدول ۲: میانگین فراوانی درصدی شدت شرارت و سابقه کودک‌آزاری براساس سن نمونه

سن مجرمین	فراوانی درصدی کودک‌آزاری والدین**	فراوانی درصدی جرم شرارت*
زیر ۱۸ سال	۶۲	۱۵
۱۹-۲۵	۷۱	۴۰
۲۶-۳۲	۵۷	۲۱
۳۳-۳۹	۵۴	۱۰
۴۰-۴۵	۵۶	۶
۴۵ به بالا	۶۱	۸
مجموع	۳۶۱	۱۰۰

* ماه‌های محکومیت

** این میزان بین دامنه ۲۰ تا ۱۰۰ در نوسان است و مجموع آنها از ۱۰۰ بیشتر می‌شود.

نتایج دیگر داده‌ها، اشاره به تفاوت جنسیتی زنان و مردان در شکایت از کودک‌آزاری دوران کودکی و میزان شدت بزه شرارت آنها در بزرگسالی دارد. زنان با کمترین درصد مجرمانه شرارت (۲ درصد) در آزمون کودک‌آزاری میانگین ۶۴ درصد داشته ولی مردان با ۹۸ درصد خشونت اذعان نموده‌اند که ۸۷ درصد از والدین‌شان آنها را مورد آزار و ایذاء قرار داده‌اند. در جدول شماره ۳ تاثیر متغیر تعدیل‌گر و مداخله‌گر سواد در بروز جرم شرارت و خشونت بزهکاران نمونه به همراه سابقه کودک‌آزاری والدین آنها آمده است.

جدول ۳: فراوانی مجرمین بر حسب تحصیلات

سطح تحصیلات مجرمین	میانگین درصدی نمره کودک‌آزاری	فراوانی درصدی جرم شرارت
بیسواد یا کم‌سواد	۷۴/۶	۶۳
سیکل	۶۳/۴	۲۶
دیپلم	۵۲/۷	۹/۵
لیسانس	۳۸/۳	۱/۵
فوق‌لیسانس و بالاتر	-	-
مجموع	-	۱۰۰

عدم حضور یا فوت پدر می‌تواند از لحاظ اقتصادی آثار مخربی داشته باشد؛ اما فوت مادر از لحاظ تربیتی - پرورشی و حفظ موجودیت خانواده با توجه به ازدواج مجدد پدر می‌تواند حتی آثار ویرانگرتری نسبت به فوت پدر داشته باشد (اسداللهی، ۱۳۸۴)؛ در جدول شماره ۴ نتایج این عارضه و آسیب را می‌توان مورد بررسی قرار داد.

جدول ۴: فراوانی درصدی مجرمین شرارت و آزار دوران کودکی بر حسب وضعیت

زندگی پدر و مادر

حضور والدین	فوت یا جدایی		وضعیت زندگی والدین
	مادر	پدر	
۶۰	۹۲	۸۲	نمره کودک‌آزاری والدین
۲۸	۸۰	۷۱	درصد جرم شرارت مجرمین

متغیر سواد نیز در والدین مجرمان به صورت یک متغیر تعدیل‌گر و اثرگذار در کاهش و تعدیل اثرات بد کودک‌آزاری والدین در جرم شرارت بزهکاران نمونه بوده است؛ نتایج جدول شماره ۵ مویده این گفته است.

جدول ۵: فراوانی درصدی جرم شرارت مجرمین و کودک آزاری والدین برحسب تحصیلات

پدر و مادر

لیسانس یا بالاتر		دیپلم		سیکل		بی سواد یا کم سواد		سواد و تحصیلات والدین
		مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	
مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	میانگین درصدی کودک آزاری والدین
۳۵/۹	۳۰	۵۴/۶	۵۷/۶	۷۱	۸۵/۹	۷۸/۵	۸۵/۵	
۰/۵	۰/۵	۱/۵	۳	۲	۳/۵	۹۶	۸۳	میانگین درصدی شرارت مجرمین

- رابطه بین فراوانی درصدی مجرمین شرور با سطح سواد والدین

اکنون به طور خلاصه با توجه به نتایج توصیفی جداول قبلی به آزمون آماری فرضیه‌ها می‌پردازیم:

الف) فرضیه اول: در سطح آلفا ۰/۰۵ معناداری و با درجه آزادی ۷۹ این فرضیه مبنی بر وجود رابطه معنادار بین ایداء و آزار دوران کودکی و جرم شرارت طی دوره بزرگسالی، تأیید شد.

ب) فرضیه دوم: این فرضیه مبنی بر «وجود رابطه معنادار بین سن و شدت جرم مجرمین شرارت» تأیید شد، به طوری که بالاترین نرخ وقوع این جرم در رده‌های سنی زیر ۳۰ ساله‌ها بوده است (۷۶ درصد) که با افزایش سن مددجویان میزان وقوع این نوع جرم کاهش می‌یابد. ج) فرضیه سوم: این فرضیه مبنی بر وجود رابطه معنادار بین سواد مددجویان و شدت جرم شرارت تأیید شد. هر چند درصد نسبی مجرمین بالای دیپلم و دارای تحصیلات عالی بسیار کم بوده و در بین این یافته باید ملاحظات جمعیتی آماری مدنظر قرار گیرد.

د) فرضیه چهارم: رابطه مثبت و بالایی بین افزایش سواد والدین و گزارش مددجویان در مورد کودک آزاری دوران خردسالی ملاحظه شد. به طوری که از دید بیش از ۹۰ درصد مجرمین شرارت، مادران و پدران بی سواد و کم سوادشان دارای سابقه کودک آزاری در مورد آنها بوده‌اند.

ه) فرضیه پنجم: بین ساختار خانواده و تک‌والد بودن آن با جرم شرارت و

کودک‌آزاری رابطه معنادار بالایی مشاهده شد. ۸۰ درصد مجرمین با بیان فوت یا جدایی مادر و عدم حضور او در خانه، در آزمون کودک‌آزاری نمره ۹۲ به دست آورده‌اند که این می‌تواند ناشی از ازدواج مجدد پدر و دوگانگی در تربیت فرزندان باشد. ۷۱ درصد مددجویان نیز با وجود سرپرستی مادر بر خانواده و عدم حضور پدر بر اثر فوت یا جدایی نمره ۶۸ در آزمون کودک‌آزاری به دست آورده‌اند.

۷) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مقایسه‌ای جدول شماره ۱ وجود رابطه‌ای همبسته و توصیفی بین درصد شرارت مجرمان برحسب ایام حبس و جزای نقدی با شدت کودک‌آزاری والدین آنها در دوران مذکور را گوشزد می‌نماید. در تحقیقات اسداللهی (۱۳۸۴)، نامداری (۱۳۷۷)، محمدخانی (۱۳۷۸) و بخشعلیان (۱۳۷۷)، طباطبایی (۱۳۸۰) و باقری‌یزدی (۱۳۷۹) وجود چنین رابطه‌ای گزارش شده است. نتایج حاصل از آزمون کودک‌آزاری با داده‌های شرارت مجرمان با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که در سطح معناداری آلفا ۰/۰۵ و درجه آزادی ۷۹: df فرض صفر، رد و وجود ارتباط معنادار بین این دو مؤلفه تأیید گردید. بر مبنای این داده‌ها فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین شدت شرارت مجرمان و تجربه آزاردیدگی آنها از سوی والدین تأیید می‌شود.

در جدول شماره ۲ بنابر آمارهای موجود و تجارب گذشته آشکار شده است که از سن ۳۶-۳۵ سالگی آمارهای مربوط به جرم کاهش می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳۷۹) بررسی خشونت، ما را با الگوهای مختلفی از واکنش‌های لفظی و فیزیکی مانند: توهین، تحقیر، آزار و ایذا، نزاع‌های فردی و جمعی، ضرب و جرح و قتل مواجه می‌کند. اما از دیدگاه حقوق جزا عمدتاً آن بخش از رفتارهایی قابل توجه هستند که جرم تلقی شده و مستوجب مجازات باشند. این رفتارها، قطع نظر از مسئولیت کیفری مرتکب از سنین ۴ سالگی قابل مشاهده است (نیکخو و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۶۴) و در دوران بحران ناشی از بلوغ و تا سن ۱۸ سالگی به اوج خود می‌رسد و معمولاً بعد از گذر از این مقطع با شروع فعالیت‌های

اجتماعی جوانان آرام آرام فروکش می‌کند (ماسن، ۱۳۸۲: ۳۶۷).

البته بایستی به تفاوت‌های جنسیتی در بروز رفتارهای شرارت‌آمیز و واکنش‌های رفتاری کودکان آزاردیده در دوران بزرگسالی‌شان توجه خاص شود. جلوه‌های رفتاری آنها در مصاحبه‌های بالینی با مددجویان زن و مرد و بررسی پرونده کیفری‌شان، بروشنی تفاوت جنسیتی را گوشزد می‌نماید؛ به طوری که الگوهای مجرمانه مردان بزهکار به صورت رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت بار با شخصیت ضداجتماعی بود. اما در زنان تابلوی بالینی اولیه رفتار آنها جلوه خستگی روانی^۱ و افسردگی داشت.

با توجه به داده‌های فوق ملاحظه می‌شود که حدود ۵۵ درصد نمونه‌ها در سنین جوانی مرتکب این رفتارهای خشن شده‌اند. چرا که افراد در این سن نیاز به رفتارهایی برای ابراز وجود دارند که با توجه به شرایط اجتماعی به صورت فعالیت‌های انسان‌دوستانه، علمی و یا رفتارهای سوئی چون ضرب و شتم، پرخاشگری و... نمود می‌یابد. ویژگی‌های یک اختلال شخصیت در طی نوجوانی یا اوایل بزرگسالی نمایان می‌شوند. طبق تعریف، یک اختلال شخصیت، الگوی پایداری از تفکر، احساس و رفتار است که در طی زمان از ثبات نسبی برخوردار است. بعضی از انواع اختلال‌های شخصیت (به‌ویژه اختلال‌های شخصیت ضداجتماعی و مرزی) همراه با افزایش سن کمتر آشکار شده یا تخفیف می‌یابند که در این جا نیز با آن مواجه‌ایم. در حالی که این امر برای سایر انواع اختلال‌ها مانند اختلال‌های شخصیت - رسوایی جبری و اسکیزو تایپی مصداق زیادی نداشته است (نیکخو و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۲۵).

اما در ستون دیگر جدول شماره ۲ میانگین درصدی شدت کودک‌آزاری (دامنه شدت ۱۰۰-۲۰) روندی بالاتر از میانگین را تشکیل می‌دهد، بدین معنا که بیشتر مددجویان با جرم شرارت، سابقه آزار دیدن در دوران کودکی را تجربه و این مسأله را گزارش نموده‌اند. نکته مهم در کاهش این شدت، در مجرمین سنین بالا می‌باشد. توجه آن می‌تواند این امر باشد که با فاصله گرفتن از دوران کودکی اثرات مخرب روانی - جسمانی آزارهای دوران

1. Psychasthenia

کودکی در فرد مجرم کم‌رنگ گردیده و از لحاظ مکانیسم‌های روان‌شناختی جلوه دیگری یافته‌اند، در عین حال میزان شرارت و در مجموع اختلال شخصیت ضداجتماع با افزایش سن رو به کاهش می‌گذارد. یک عامل مرتبط دیگر این‌که، طی سال‌های اخیر میزان آسیب‌های اجتماعی از جمله آزارگری در خانواده‌ها رو به افزایش گذاشته است (اسداللهی، ۱۳۸۴؛ براتوند و همکاران، ۱۳۸۴). بسیاری از محققان (پالک و اسمارت، ۱۹۷۶؛ نقل از گرت ۱۳۸۲: ۱۷۷) معتقدند که تفاوت‌های رفتاری بنیادی میان زنان و مردان وجود دارد که در همه فرهنگ‌ها به گونه‌ای ظاهر می‌شوند. برخی نویسندگان بر این باورند که یافته‌های زیست‌شناسی اجتماعی قویاً به این جهت اشاره دارند. برای مثال آنها تاکید دارند که تقریباً در همه فرهنگ‌ها مردان در شکار و جنگ شرکت می‌کردند نه زنان؛ آنها استدلال می‌کنند که مسلماً این موضوع نشان‌دهنده آن است که مردان آمادگی زیستی بیشتری برای پرخاشگری دارند تا زنان (گیدنز ۱۹۸۹). تاگیر در کتاب خود با نام *مردان در گروه* (۱۹۶۹) بیان می‌کند که جنگ در سراسر جهان کار مردان بوده و سایر الگوهای پرخاشگرانه نیز مردانه است. (نقل از رید ۱۹۸۴: ۱۴۳) ولی تفاوت در رفتار مردان و زنان اساساً از طریق یادگیری هویت اجتماعی زنانه و مردانه پدید می‌آید. در مقابل مارکسیست‌های ساختی مثل لوکاج و مارکسیست‌های کلاسیک مثل لنین اعتقاد دارند که این امر بیشتر ناشی از تقسیم کار اجتماعی و طی کردن یک فرایند طولانی تخصصی شدن امور در تاریخ جوامع بشری است (آریانپور، ۱۳۵۷: ۵۷).

از یک دیدگاه روان‌شناختی، شخصیت همان چیزی است که فرد برای آن تقویت می‌شود (نظریه اسکینر، نقل از هرگنهان، ۱۳۸۰: ۱۱۹). تقریباً در همه جوامع بشری زن برای متابعت، عدم ابراز خشنونت، گذاشتن از حق خود و موارد مشابه تقویت می‌شود و اگر این روند را طی قرن و اعصار در نظر بگیریم، معلوم می‌شود که این امر به یک فرهنگ تبدیل شده است و عوامل فرهنگی حتی در غیاب توجیه بیرونی همچنان به حیات دیرپای خود ادامه می‌دهند.

بیشترین الگوهای مجرمانه پرخاشگری که در این داده‌ها برای زنان مشاهده می‌شود

اخلال در نظم دادگستری، اخلال در نظم زندان، درگیری و توهین به کارمندان دولت و ضرب و شتم در زندان و از این دست است (آمارنامه زندان‌های خوزستان ۱۳۸۴). لازم به ذکر است در این داده‌ها، تنوع الگوی جرم خشونت در مردان به دلایلی که در بالا اشاره شد نسبت به زنان بیشتر است. چنین یافته‌ای قابل انتظار است چرا که براساس شرایط اجتماعی از زنان انتظار می‌رود خود را درگیر مسایل اجتماعی خصوصاً از نوع خشن نمایند، تا در صورت بروز حادثه - حتی به قیمت از دست رفتن حقوق خود صدایشان - بالا نیاید. آنها این الگوی غیرمجرمانه خشونت را بعد از عصر مادرسالاری آموختند (رید، ۱۹۸۴:۱۰۴) اثرات روانی آزاردیدگی دوران کودکی آنچه را که زنان کمتر شکایت کرده‌اند، می‌توان این گونه توجیه کرد:

- توجه خاص خانواده و جامعه به وضعیت جسمانی و روانی دختران؛
 - اصولاً تنبیه بدنی بیشتری نسبت به پسران اعمال می‌شود که این امر ناشی از تحرک بیشتر پسران و تمایل به کناره‌گیری دختران است؛
 - پنهان کردن آزارها از سوی زنان به دلیل محافظه‌کاری بیش از حد که ریشه تاریخی و فرهنگی دارد؛
 - آموزش این امر به دختران که صبور بوده و صبر و تحمل از شاخصه‌های یک زن و مادر نمونه می‌باشد؛
 - ساختار شخصیتی زنان در واکنش به کودک‌آزاری دوران خردسالی به صورت رفتارهای انزواطلبی، افسردگی و خستگی روانی در دوران بزرگسالی نمود می‌یابد.
- با مراجعه به جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود که ۶۳ درصد از برخوردارهای خشن در بین افرادی دیده می‌شود که دارای کمترین تحصیلات و یا بی‌سواد هستند. این رقم دلایل واضحی دارد چرا که آموزش و پرورش ابعاد مختلف رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نوعی می‌تواند تعدیل‌کننده رفتار باشد. (صفوی، ۱۳۷۴؛ اسداللهی، ۱۳۸۴؛ بخشعلیان، ۱۳۷۷؛ براتوند، ۱۳۸۴؛ رشیدی‌فر، ۱۳۷۶). احتمال ترک تحصیل در خانواده‌های افراد کم‌سواد یا بی‌سواد بیشتر است و در عین حال والدین یا مربیان این افراد خود گرایش

بیشتری به خشونت دارند که این شرایط باتوجه به یادگیری اجتماعی و الگوی رفتاری خشن تبیین می‌شود (نظریه بندورا، نقل از هرگنهان و همکاران، ۱۳۸۰:۳۷۶). این الگوی مجرمانه خشونت در ساخت خانواده شکل گرفته و با افزایش سواد اعضای خانوار کاهش می‌یابد؛ آنچه‌آن‌چنان که در پژوهش‌های اسداللهی (۱۳۷۴) و اسداللهی (۱۳۸۴) نشان داده است.

طبق این جدول، با افزایش سطح سواد شاهد کاهش نسبی شکایت از آزاردیدگی دوران کودکی هستیم. باسوادان مجرم که به سطوح تحصیلات عالی و دانشگاهی رسیده‌اند در خانواده‌هایی قرار دارند که به دلیل باسواد والدین یا ساخت منطقی‌تر خانواده نسبت کودک‌آزاری کمتر رخ داده و شکایت آزارگری کودکان بندرت گزارش شده است. این گروه در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که از وضع مالی بهتر و محل سکونت بهتری برخوردارند (منطقه کیانپارس اهواز در تحقیق براتوند ۱۳۸۴)، زمینه‌هایی که خود باعث کاهش کودک‌آزاری می‌گردد (سواد و آموزش والدین، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و محل سکونت)، آنچه که پژوهش‌های فراوانی مؤید آن بوده‌اند (مدنی، ۱۳۸۳؛ هوشدار، ۱۳۷۴؛ رحیمی موقر، ۱۳۷۵؛ محمدخانی، ۱۳۷۸). البته باید به فراوانی کم مجرمین باسواد و نسبت ضعیف جمعیتی آنها در مقایسه با حجم انبوه بی‌سواد یا کم‌سوادان در نمونه‌های این پژوهش اشاره کرده و این نسبت را مدنظر قرار داد.

در جدول شماره ۴ بیشترین فراوانی درصدی جرم شرارت و سابقه شکایت از کودک‌آزاری در ساخت خانواده تک‌والدی با فوت مادر می‌باشد. یک توجیه برای آن شاید ازدواج مجدد پدر و حضور نامادری در خانواده و ایجاد تعدد و گسیختگی تربیتی دوگانه در ساختار خانواده است که زمینه بروز کودک‌آزاری یا رها کردن کودک در جامعه همراه است (طباطبایی، ۱۳۸۰؛ باقری‌یزدی، ۱۳۷۹؛ حسینی سدهی، ۱۳۸۰).

محیط خانوادگی یکی از مهم‌ترین الگوهای ساختاری مؤثر در یادگیری رفتار از جمله بروز پرخاشگری افراد و کودک‌آزاری است. محیط خانوادگی ناسازگار با مشاجره دائمی پدر، مادر و اعضای خانواده آثار سوئی در رفتار کودک باقی می‌گذارد. این آثار در سنین بلوغ و بزرگسالی به صورت عصیان، پرخاشگری، سرکشی از مقررات و قوانین اجتماعی

در مردان و یا بی‌تفاوتی، انزوا و گوشه‌گیری در زنان نمایان شده و منجر به اعمال بزهکارانه می‌گردد. کودکانی که از محبت خانوادگی محرومند و خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی می‌کنند، به آسانی هنجارها و ارزش‌های جامعه را نقض می‌کنند (ماسن و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۶۷).

روابط معیوب و نامطلوب خانواده، به کارگیری شیوه‌های نادرست تربیتی مانند طرد و عدم مواظبت و مراقبت صحیح، ضرب و شتم، محرومیت از مهر و محبت والدین، کودک‌آزاری و خشونت علیه فرزندان باعث احساس ناامنی و اضطراب، خودپنداره منفی و کینه‌توزی نسبت به دیگران می‌شود (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). طلاق و جدایی والدین و قصور در مراقبت و عدم ارضای نیازهای عاطفی از کودکان و نوجوانان (اسداللهی، ۱۳۸۴)، باعث می‌شود تا آنها به دسته‌ها و یا گروه‌هایی از بزهکاران ملحق شوند و به دنبال آن به ارتکاب رفتار و اعمال ضداجتماعی اقدام کنند. در واقع آنها نیازهای عاطفی خود را در بیرون از خانه می‌جویند و به اصطلاح نگاه به بیرون دارند. نتیجه این امر، عدم رضایت از محیط تحصیل است که می‌تواند موجب عکس‌العمل‌هایی مثل فرار و غیبت از مدرسه، بی‌انضباطی، سرکشی، پرخاشگری، بدرفتاری، بی‌اعتنایی به مقررات و قوانین، زیرپا گذاشتن آنها، و سرانجام فرار از منزل و ارتکاب جرائم مختلف گردد.

پژوهش‌های قبلی تأییدکننده نتایج جدول شماره ۵ بوده‌اند، به این معنا که وجود کودک‌آزاری در خانه رابطه معنادار و بالایی با سطح سواد والدین داشته است. بیشترین ایداء و آزار جسمانی کودکان توسط والدین دارای سواد پایین و بی‌سواد ملاحظه می‌شود (اسداللهی، ۱۳۷۴؛ رحیمی موقر، ۱۳۷۵؛ نامداری، ۱۳۷۷؛ بخشعلیان، ۱۳۷۷؛ مدنی، ۱۳۸۳)؛ که البته در این آمارها باید نسبت کم جمعیت دارای تحصیلات عالی جامعه را نیز مدنظر داشت و این نسبت در استنباط نهایی مدنظر باشد.

در مجموع این پژوهش به بررسی رابطه معناداری بین جرایم خشونت و شرارت به عنوان یک الگوی ساختاری بزه در خوزستان با سابقه آزاردیدگی دوران کودکی مجرمان پرداخت. ساخت الگویی این جرم، جوان (۷۶ درصد مجرمان زیر ۳۰ ساله)، مردانه (۹۸

درصد مردان)، کم‌سواد (۸۹ درصد مجرمان)، ۶۰ درصد ساخت خانواده تک‌والدی با فوت یا جدایی والدین (۶۰ درصد) و سطوح تحصیلات والدین (۷۰ درصد) زیر سیکل بوده‌اند. در ساخت الگوی کودک‌آزاری نیز داده‌هایی همانند جرم شرارت به‌دست آمد که تأییدکننده پژوهش‌های کودک‌آزاری قبلی بوده است. رابطه معناداری بین شرارت و ایذاء دوران کودکی مجرمان ملاحظه شد که با متغیرهایی مثل سواد و سن والدین و ساخت تک‌والدی خانواده رابطه معناداری داشتند. ایذاء کودکان از سوی والدین با سن پایین و بی‌سواد یا کم‌سواد بیشتر جنبه جسمانی داشت و با ساختار خانواده تک‌والدی حاصل طلاق یا فوت مادر شدیدتر بود که در این ارتباط بین این گزینه‌ها با جرم شرارت رابطه معنادار مثبتی به‌دست آمد.

۸) پیشنهادات

- الف) ایجاد و گسترش یک سیستم مددکاری فردی - اجتماعی با اهرم‌های قدرتمند قانونی - قضایی برای پیشگیری و درمان موارد کودک‌آزاری؛
- ب) توسعه منسجم نظام حمایت از کودکان طلاق و پیگیری مراقبت از آنها بعد از سرپرستی تک‌والدی آنها؛
- ج) ثبت وقایع کودک‌آزاری در خانواده‌ها به‌صورت منظم و در دوره‌های زمانی از سوی سازمان‌ها و نهادهای تخصصی با عملکرد مرتبط؛
- د) برگزاری نشست‌های علمی و خانوادگی برای بررسی و تحلیل کودک‌آزاری والدین و شرارت فرزندان؛
- ه) ایجاد دوره‌های آموزشی برای سازمان‌های مرتبط و درگیر با مباحث و بسترهای کودک‌آزاری و شرارت؛
- و) طراحی و برگزاری واحدهای درسی آشناسازی کودکان و نوجوانان دانش‌آموز در تمام مقاطع تحصیلی برای آگاهی از مصادیق کودک‌آزاری و راه‌کارهای دفاع از خود و گزارش آنها به سازمان‌های مسئول؛

ز) تعریف و بیان حقوقی و قضایی روابط کودک - والدین برای زوج‌های جوان قبل از تشکیل خانواده؛

ح) فعال‌سازی واحدهای خاص برای پیوند بین نهادهای کیفری - قضایی و خانواده در سطوحی دوستانه و غیرآمرانه در حوزه‌های کودک‌آزاری و شرارت.

۹) محدودیت‌های پژوهشی

۹-۱) مساله‌زایی اجرای آزمون در محیط‌های تنش‌زا و حساسی مثل زندان‌ها و ندامتگاه‌ها از مشکلات مهم پژوهش‌های زندان‌شناسی است که به نظر می‌رسد مطالعه پرونده کیفری - انضباطی مددجویان با تکنیک مصاحبه و مشاوره تشخیصی در اعتباردهی به نتایج آزمون مفید خواهد بود؛

۹-۲) گردآوری، تدوین و همراهی اطلاعات آماری و داده‌های خام زندان‌های خوزستان موجود در آرشیو رایانه زندان‌ها که بیشتر بر مبنای کدهای تعریف شده زندان طراحی شده‌اند از محدودیت‌های مهم دیگر است؛

۹-۳) اساساً کسب و اخذ داده‌های خام زندان‌های خوزستان و انتشار نتایج تحلیلی آن از لحاظ امنیتی - حفاظتی از چالش‌های مهم پژوهشگران بود؛ که موافقت با بیان آمارهای درصدی از سوی اداره کل زندان‌های خوزستان و منطقه ۳ آموزش عالی زندان‌های کشور میسر نبود.

۱. ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۷۴)، اثرات سوءاستفاده و بدرفتاری بر تحمل اجتماعی و روان‌شناختی کودک، تهران، مجمع علمی جایگاه تربیت وزارت آموزش و پرورش.
۲. ارونسون، الیور. (۱۳۶۷)، روان‌شناسی اجتماعی، (حسین شکرکن)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات رشد.
۳. آریانپور، امیرحسین. (۱۳۵۷)، زمینه جامعه‌شناسی، تهران، نشر کتاب‌های جیبی.
۴. اسداللهی، عبدالرحیم. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل بروز جرم در زنان سرپرست خانوار زندان‌های خوزستان، اهواز، مرکز آموزش منطقه ۳ زندان‌های کشور.
۵. اسداللهی، عبدالرحیم. برات‌وند، محمود. (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین افسردگی و ورزش در دختران کانون اصلاح و تربیت اهواز، اهواز، مرکز آموزش منطقه ۳ زندان‌های کشور.
۶. اسداللهی، ملیحه. (۱۳۷۴)، بررسی سوءرفتار والدین با کودکان خود در مدارس ابتدایی دخترانه تبریز، رساله کارشناسی ارشد پرستاری گرایش بهداشت کودک، تبریز، دانشگاه تبریز.
۷. افسری، معصومه. بهرام‌نژاد، علی. (۱۳۷۵)، تأثیر عوامل خانوادگی در بزهکاری نوجوانان. تهران، ماهنامه اصلاح و تربیت. سال دوم. شماره ۱۷.
۸. انجمن روان‌شناسی آمریکا، (۱۳۸۱)، راهنمای اختلالات روانی DS M-IV-TR، (محمد رضا نیکخو)، چاپ دوم، تهران، نشر سخن.
۹. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۴۳)، خاتون هفت قلعه، تهران، نشر دهخدا.
۱۰. باقری یزد، سیدعباس، (۱۳۷۹)، بررسی موارد کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین درمانگاه‌های اورژانس اطفال تهران، تهران، وزارت بهداشت و درمان.
۱۱. بخشعلیان، احمد، (۱۳۷۷)، شیوه و عامل سوءرفتار والدین بر دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تهران، رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. برات‌وند، محمود. (۱۳۸۳)، استرس و عوامل مرتبط با آن، تهران، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۱۴ ص ۳۷-۲۸.
۱۳. برات‌وند، محمود. (۱۳۸۴)، بررسی و مقایسه منطقه حاشیه‌نشین سیدخلف با مرفه‌نشین کیانپارس اهواز، ارائه شده در همایش آسیب‌شناسی اجتماعی و حاشیه‌نشینی، تهران، قوه قضاییه.
۱۴. بوالهروی، عبدالعلی. (۱۳۷۷)، جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله

- دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. بی‌نا. (۱۳۷۸)، پرخاش‌گری کودکان در دوره نوجوانی، تهران، ماهنامه اصلاح و تربیت. سال پنجم. فروردین ۱۳۷۸.
۱۶. پورافکاری، نصرت‌الله، (۱۳۷۶). فرهنگ تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی. تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۷. ثناگوی‌محرر، غلامرضا. (۱۳۷۹)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مادران کودک‌آزار با مادران غیرکودک‌آزار در پسران ۱۵-۱۲ ساله تهرانی، رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۸. جانقلی، مصطفی. (۱۳۸۳)، نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران، علل و عوامل، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد ۸۱، جلد ۵، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگاه.
۱۹. حسینی سدهی، نرگس. (۱۳۸۰)، ادراک خود در نوجوانان آزاردیده و آزارنده ناحیه ۶ و ۱۱ شهرداری تهران، رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۲۰. راوندی، مرتضی. (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ششم، چاپ دوم، تهران، نشر نگاه.
۲۱. رحیمی‌موقر، آفرین. (۱۳۷۶)، بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع بدرفتاری جسمانی با کودک کوی ۱۳ آبان شهرری و ناحیه ۳ شهرداری تهران، تهران، معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
۲۲. رشیدی‌فر، ناصر. (۱۳۷۶)، بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی با کودک‌آزاری نوجوانان شهرستان اهر، رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
۲۳. رید، ایولین. (۱۳۸۴)، فمینیسم و مردم‌شناسی، (افشنگ مقصودی)، تهران، نشر گل‌آذین.
۲۴. شیخاوندی، داور. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی و انحرافات، تهران، نشر مرنديز.
۲۵. صالح، علی‌رضا. (۱۳۸۳)، مقایسه کودکان خیابانی و شبانه‌روزی تهران، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران - خرداد ۸۱، جلد ۵، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگاه.
۲۶. صفوی، شیرین. (۱۳۷۴)، سوءرفتار جسمانی با کودک، رساله دکتری حرفه‌ای پزشکی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۲۷. طباطبایی نژاد، علیرضا. (۱۳۸۰)، *پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین*، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه بهشتی.
۲۸. فخرایی، سیروس. (۱۳۷۷)، *نظرسنجی از مردم تهران درباره مفهوم کودک‌آزاری و راه‌های مقابله با آن*، تهران، مرکز پژوهش‌های سازمان صدا و سیما.
۲۹. کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۷۷)، *سنجش نگرشی والدین نسبت به تنبیه بدنی کودک و کودک‌آزاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های سازمان صدا و سیما.
۳۰. کالینگفورد، سدريک. (۱۳۸۰)، *کودکان و تلویزیون (واژگن سرکیسیان)*، تهران، نشر سروش.
۳۱. گرت، استفانی. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، (کتابیون بقایی)، چاپ دوم، تهران، نشر دیگر.
۳۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی*، (منوچهر صبوری)، چاپ دوازدهم، تهران، نشر نی.
۳۳. ماسن، پل هنری و همکاران. (۱۳۸۲)، *رشد و شخصیت کودک*، (مهشید یاسایی)، چاپ دوازدهم از ویرایش دوم، تهران، نشر مرکز.
۳۴. مجلد تیموری، میرمحمد ولی. (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی شرارت*، تهران، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال اول، شماره ۱۲ دی ۱۳۷۴.
۳۵. محسنی‌تبریزی، منوچهر. (۱۳۸۳)، *وندالیسم*، تهران، انتشارات آن.
۳۶. محمدخانی، پروانه. (۱۳۷۸)، *کودک‌آزاری، شیوع و انواع*، رساله دکتری روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۷. مدنی (قهفرخی)، سعید. (۱۳۸۳)، *کودک‌آزاری در ایران*، تهران، نشر اکنون.
۳۸. نامداری، پریسا. (۱۳۷۷)، *بررسی میزان شیوع سوءرفتار در دانش‌آموزان دوره راهنمایی خرم‌آباد*، رساله کارشناسی ارشد بهداشت، تهران، دانشگاه تهران.
۳۹. نجفی توانا، علی. (۱۳۸۲)، *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، نشر راه تربیت.
۴۰. نوروزی، فاطمه. (۱۳۷۲)، *بررسی پیشینه کودک‌آزاری و بی‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهر تهران*، رساله کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۴۱. هرگنهان، بی. آر. و همکاران. (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، (علی‌اکبر سیف)، تهران، نشر دوران.
۴۲. هوشدار، اصغر. (۱۳۷۸)، *رابطه افسردگی با بدرفتاری با کودکان در بیمارستان*

امام خمینی، رساله دکتری تخصصی روان‌پزشکی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۳. وندر، زندن. جیمز، دبلیو. (۱۳۷۶)، روان‌شناسی رشد، (حمزه گنجی)، چاپ دوم.
تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.